

المقدمة الرابعة: في لباس المصلي

مقدمةً چهارم: احكام لباس نمازگزار

وفيه مسائل:

مسائل هشتگانه:

الأولى: لا يجوز الصلاة في جلد الميتة ولو كان مما يؤكل لحمه، سواء دبغ أو لم يدبغ. وما لا يؤكل لحمه - وهو طاهر في حياته مما يقع عليه الذكاة - إذا ذكي كان طاهراً، ولا يستعمل في الصلاة. ولا يفتقر استعماله في غيرها إلى الدباغ، ولكن يكره استعماله قبل الدباغ.

اول: نمازخواندن با لباسی که از پوست مردار تهیه شده باشد - هرچند که حلال گوشت باشد - صحیح نیست، چه دباغی^(۱) شده باشد و چه نشده باشد.

حيوان حرام گوشت (که در حین حیات ذاتاً پاک بوده و قابلیت ذبح شرعی داشته است)^(۲) اگر ذبح شرعی شود پاک است، ولی در نماز نباید از آن استفاده گردد و در غیر از نماز می توان بدون دباغی کردن از آن استفاده نمود، البته مکروه است (که قبل از دباغی از آن استفاده کند).

الثانية: الصوف والشعر والوبر والریش مما يؤكل لحمه طاهر، سواء جز من حي أو مذكى أو ميت، ويجوز الصلاة فيه. ولو قلع من الميت غسل منه موضع الاتصال، وكذا كل ما لا تحله الحياة من الميت إذا كان طاهراً في حال الحياة. وما كان نجساً في حال حياته فجميع ذلك منه نجس، ولا تصح الصلاة في شئ من ذلك إذا كان مما لا يؤكل لحمه ولو أخذ من مذكى، إلا الخز الخالص فتجوز الصلاة فيه، ولا تجوز في المغشوش منه بوبر الأرنب والثعالب.

دوم: پشم، مو، گُرک و پَر حیوانات حلال گوشت، پاک است، چه از حیوان زنده جدا شده باشد، چه از ذبح شده و چه از مردار، و نمازخواندن با آن جایز است. اگر از مردار گنده شده باشد فقط محل اتصال آن با بدن حیوان باید شسته شود، و همه اجزای بدون روح^(۳) حیوان مردهای که زنده اش پاک است، همین حکم را دارد (پاک است و

1- یعنی آن را با مادهای خاص نرم کرده و رطوبت و بوی بد آن را از بین می برند و برای استفاده آماده می کنند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 30)

2- مانند شیر و ببر و... (مترجم)

3- مثل شاخ، دندان یا... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 31)

نماز با آن صحیح است). حیوانی که در حال حیاتش نجس باشد (پس از ذبح) تمام موارد ذکرشده آن (پشم، مو، کرک و پر) نجس است.

در صورتی که لباسی از اجزای بدون روح حیوان حرام‌گوشت درست‌شده باشد، نمازخواندن با آن صحیح نیست، حتی اگر ذبح شرعی شده باشد، مگر خَزَّ⁽⁴⁾ خالص که نمازخواندن با آن جایز است، اما نمازخواندن در لباس خزی که در آن کرک روباه و خرگوش مخلوط باشد، جایز نیست.⁽⁵⁾

الثالثة: تجوز الصلاة في فرو السنجاب، ولا تجوز في فرو الثعالب والأرانب.

سوم: نماز با پوست سنجاب جایز است، ولی با پوست انواع روباه و خرگوش جایز نیست.

الرابعة: لا يجوز لبس الحرير المحض للرجال ولا الصلاة فيه إلا في الحرب، فإنه يستحب وضع قطعة حرير على الصدر، وعند الضرورة كالبرد المانع من نزعه، ويجوز للنساء مطلقاً. وفيما لا يتم الصلاة فيه كالتكة والقلنسوة لا يجوز كذلك، ويجوز الركوب عليه وافتراشه. ويكره الصلاة في ثوب مكفوف به. وإذا مزج بشئ مما يجوز فيه الصلاة حتى خرج عن كونه محضاً جاز لبسه والصلاة فيه، سواء كان أكثر من الحرير أو أقل منه على كراهية.

چهارم: پوشیدن حریر خالص برای مردان جایز نیست و نمازخواندن با آن نیز جایز نیست، مگر در هنگام جنگ (که مستحب است تک‌های از پارچه حریر بر سینه بگذارد) و هنگام ضرورت مثلاً زمانی که سرمای شدید مانع از بیرون آوردن آن از تن باشد (که در این دو حالت نماز گزاردن با لباس ابریشمی مجاز می‌شود)، اما پوشیدن لباس حریر خالص (در نماز و غیر آن) برای زنها مجاز است. همچنین استفاده مردان از حریر برای بند لباس و یا کلاه‌خود نیز جایز نیست،⁽⁶⁾ اما نمازخواندن روی آن و فرش نمودنش جایز است. نمازخواندن با لباسی که با حریر لبه‌دوزی شده باشد نیز مکروه است.

اما زمانی که حریر با نوع دیگری از پارچه‌ها مخلوط باشد، به‌گونه‌ای که از حالت حریر خالص خارج گردد، پوشیدن آن مجاز و نمازخواندن با آن نیز جایز است، چه مقدار آن جنس از حریر بیشتر باشد یا کمتر (البته در حالت کمتر بودن آن جنس از حریر، نماز با آن مکروه است).

4- پوست کوبیده شده سمور آبی، سمور دریایی، روباه دریایی و راسو، و پوشیدن خز این حیوانات در نماز اشکالی ندارد، هرچند تذکیر نشده باشند؛ و پوشیدن خز این‌ها همراه با پوست، در صورتی که نماز ممکن است که ذبح شرعی شده باشد؛ و ذبح شرعی آن همانند سایر حیواناتی است که خون جهنده دارند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 31)

5- اگر شک کند که لباسی از اجزای بدون روح حیوان حلال‌گوشت است یا حرام‌گوشت، نماز با آن جایز نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة ص 31)

6- البته همراه داشتن حریر در نماز، اگر جزئی از لباس نباشد، جایز است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 32)

الخامسة: الثوب المغصوب لا يجوز الصلاة فيه، ولو أذن صاحبه لغير الغاصب أو له جازت الصلاة فيه مع تحقق الغصبية، ولو أذن مطلقاً جاز لغير الغاصب.

پنجم: نمازخواندن با لباس غصبی جایز نیست و اگر صاحب لباس به غاصب یا غیر او اجازه استفاده دهد نماز با آن جایز است، گرچه غصب، محقق شده باشد،⁽⁷⁾ ولی اگر به صورت مطلق، اجازه دهد⁽⁸⁾ نمازخواندن با آن [برای غاصب اشکال دارد، اما] برای سایرین، جایز است.⁽⁹⁾

السادسة: لا يجوز الصلاة في حذاء له قاعدة تجعل الإبهام معلقاً في الهواء وغير مرتكز على الأرض. ويجوز الصلاة في الحذاء والنعل إن لم يكن كذلك.

ششم: نمازخواندن با کفشی که نوکش طوری باشد که انگشت شصت پا به زمین نرسد و در هوا معلق باشد جایز نیست، ولی نمازخواندن با کفش و پاپوشی که این گونه نباشد، جایز است.

السابعة: كل ما عدا ما ذكرناه يصح الصلاة فيه، بشرط أن يكون مملوكاً أو مأذوناً فيه، وأن يكون طاهراً، وقد بينا حكم الثوب النجس. ويجوز للرجل أن يصلي في ثوب واحد، ولا يجوز للمرأة إلا في ثوبين درع وخمار ساترة جميع جسدها عدا الوجه والكفين وظاهر القدمين. ويجوز أن يصلي الرجل عريانياً إذا ستر قبله ودبره على كراهية، وإذا لم يجد ثوباً سترهما بما وجده ولو بورق الشجر، ومع عدم ما يستر به يصلي عريانياً قائماً إن كان يأمّن أن يراه أحد، وإن لم يأمّن صلى جالساً، وفي الحالين يومئ عن الركوع والسجود. والأمة والصبية تصليان بغير خمار، فإن أعتقت الأمة في أثناء الصلاة وجب عليها ستر رأسها، فإن افتقرت إلى فعل كثير استأنفت، وكذا الصبية إذا بلغت في أثناء الصلاة بما لا يبطلها.

هفتم: نمازخواندن با غیر از امور ذکرشده صحیح است، به شرطی که یا مالک آن بوده یا برای استفاده از آن اجازه گرفته باشد، و اینکه لباس نمازگزار پاک باشد؛ و حکم لباس نجس را هم پیش از این بیان کردیم.⁽¹⁰⁾

7- مانند این که فردی بگوید: «به فلانی اجازه میدهم که با لباس نماز بخواند»، در این صورت برای آن شخص، نمازخواندن با آن لباس جایز است و فرقی ندارد که آن شخص، غاصب باشد یا نباشد؛ اما اگر به صورت مطلق بگوید: «اگر کسی خواست، می تواند با لباس نماز بخواند»، در این صورت، شخصی که خودش غاصب است، اجازه نمازخواندن با آن را ندارد، اما سایرین می توانند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 33)

8- یعنی به طور کلی گفته اگر کسی با لباس من نماز بخواند اشکال ندارد، در اینجا به طور خاص به غاصب اجازه نداده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 33)

9- حتی اگر لباس های کوچک مثل کمر بند و جوراب غصبی باشد، باز هم نماز با آن جایز نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 33)

10- در برخی موارد از نجاست لباس، چشم پوشی شده و می توان با لباس نجس نماز خواند، مثلاً نمازخواندن با جوراب و کمر بند و لباس هایی که به تنهایی، نماز در آن ها مجاز نیست، جایز است، هر چند نجس باشند. یا اینکه خروج خون از بدن در بین نماز، باطل کننده نماز نیست. همچنین برخی دیگر از احکام لباس نجس که بیان شد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 34)

نمازخواندن با یک پوشش (پیراهن بلند) برای مرد جایز است، اما زن باید با دوتکه لباس نماز بخواند، پیراهن سرتاسری و شال، به گونه‌ای که تمام بدن او پوشیده شود به جز صورت و دست‌ها تا مچ و روی پاها.⁽¹¹⁾

عریان نمازخواندن (به شرطی که عورتین را بپوشاند) برای مردان جایز است، هرچند کراهت دارد، و اگر لباسی برای پوشش عورتین نداشته باشد می‌تواند با هر چیزی حتی با برگ درختان عورت خود را بپوشاند، و اگر چیزی برای پوشاندن عورتین نداشته باشد، اگر مطمئن باشد که کسی او را نمی‌بیند می‌تواند عریان و ایستاده نماز بخواند، و اگر مطمئن نباشد باید نشسته نماز بگذارد، و در هر دو حالت به جای رکوع و سجود، اشاره کند.⁽¹²⁾

کنیز و دختر غیر بالغ می‌توانند بدون شال و مقنعه نماز بخوانند، و اگر کنیز در حین نماز آزاد شود (و از بندگی خارج گردد) باید سرخود را بپوشاند، اما اگر برای این کار نیاز است که حرکت و عمل فراوانی انجام دهد باید نمازش را از نو بخواند؛ همچنین دختر اگر در حین نماز با چیزی که باعث ابطال نماز نگردد بالغ شود نیز همین حکم را دارد.⁽¹³⁾

الثامنة: تستحب الصلاة في الثياب البيض، ولا تکره في الثياب السود، وتکره في ثوب واحد رقيق للرجال، فإن حکى ما تحته لم یجز.

هشتم: نمازخواندن با لباس سفید، مستحب است و نمازخواندن با لباس سیاه مکروه نیست. نازک بودن لباس نمازگزار مردی که فقط یک لباس بر تن دارد مکروه است، و اگر لباسش آنقدر نازک باشد که زیر آن معلوم باشد⁽¹⁴⁾ نمازخواندن با آن جایز نیست.

ویکره أن یأتزر فوق القميص، وأن یشتمل الصماء، أو یصلي في عمامة لا حنک لها، ویکره لبس العمامة بلا حنک مطلقاً. ویکره اللثام للرجل، والنقاب للمرأة وإن منع عن القراءة حرم. وتکره الصلاة في قباء مشدود إلا في الحرب، وأن یؤم بغير رداء، وأن یصحب شیئاً من الحديد بارزاً، وفي ثوب یتهم صاحبه. وأن تصلي المرأة في خلخال له صوت. ویکره الصلاة في ثوب فيه تماثيل، أو خاتم فيه صورة.

[موارد مکروه:]

11- خانمی که وسط نماز مقداری از مویش از زیر شال یا روسری بیرون آمده، مویش را میپوشاند و به نماز ادامه می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 35)

12- یعنی به جای خم و راست شدن، با سر، دست، چشم یا سایر اعضای بدن اشاره کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 36)

13- به جز نکاتی که اینجا گفته شد، در سایر احکام لباس نمازگزار (مانند طهارت، غصبی نبودن و...)، زن و مرد یکسان‌اند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 36)

14- یعنی عورتش نمایان باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 36)

پیراهن را داخل شلوار قرار دادن یا پوشاندن خود با پارچه بزرگ، به طوری که دو سر آن بر روی یک کتف قرار گیرد و با دست گرفته شود، یا با عمامه بدون تَحْتُ الْحَنَك (15) نماز گزاردن. ضمناً به طور کلی پوشیدن عمامه بدون تحت الحنک مکروه است. پوشیدن روبند برای مرد و پوشیه و نقاب برای زن کراهت دارد و اگر این پوشش، مانعِ صحت قرائت باشد، حرام است. نماز با قَبای بسته شده - مگر در حال جنگ - مکروه است؛ همچنین بدون عبا بودن امام جماعت. همراه داشتن شیء آهنی آشکار و نماز با لباسی که صاحبش (به عدم رعایت نجس و پاکی یا غاصب بودن یا...) متهم است. نماز خواندن زن با خلخال و پابندی که صدا داشته باشد؛ و همچنین پوشیدن لباس دارای تصاویر⁽¹⁶⁾ و انگشتی که تصویر داشته باشد نیز مکروه است.

15- قسمتی از تَای عمامه را باز میکنند و از یک سمت از زیر گلو رد کرده و در طرف دیگر بر روی شانه می اندازند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم،

صلاة: ص 37)

2- مقصود، تصویر انسان یا حیوان است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 38)